



رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

اول کودکان: برخورد پدران و مادران با کودکان باید چگونه باشد، یا بر اساس چه اصولی باید استوار باشد؟

بخش هشتم

اینکار وی پیدا کرد. از فشار گروهی دوستان تا هیجان یک کار مخفی و خلاف عرف جامعه و از مهمتر، تجربه کردن این امر است. برخورد من و مادرش می بایست چگونه باشد؟ آیا بهتر نبود که به روی خودمان نمی آوردیم؟ به نظرم درست نیست که پدر و مادر بر اتفاقاتی که برای کودکان می افتد، چشم ببندند و همچنین درست هم نیست که آنها را منع کرد، دست و پایشان را بست و از تجربه زندگی محرومشان کرد. جز گفتگویی دو جانبه بر سر اتفاقی که افتاده تجزیه و تحلیل آن به کمک خود کودکان هیچ راه دیگری نداریم و همیشه باید آلترناتیو داشت. اگر فرض کنیم که کودک من به خاطر هیجان اینکار، این عمل را انجام داده است. آلترناتیو من چیست که هم مشروب خوردن را تجربه کند و هم این اشتیاق نوجوانیش به هیجان ارضاء شود. بنا بر امکانات پدر و مادر و شناختی که ما از کودکان داریم این آلترناتیوها متفاوت است. اما نباید فراموش کنیم که آلترناتیو ما تنها فرقی با آلترناتیوی که خود آنها انتخاب کرده باید جنبه امنیتی قضیه باشد. یعنی اینکه سلامت جسمی و روحی آنها به خطر نیفتاد. یکی از دلایل دیگری که باعث

صفحه ۲

در بخش هفتم جواب به تعدادی از سؤلهایی که در پایان بخش ششم مطرح شده بود، پرداختیم. تعدادی از این سؤلهای بی جواب ماند و همچنین سؤلهای جدیدی مطرح شد. از جمله بنظر شما کودک پانزده ساله من که با همکلاسیهایش قرار می گذارد که در توالی دیسکوی مدرسه پنهانی مشروب بخورند، اشتباه کرده است؟ اگر جواب آری است، برخورد من با وی چگونه باید باشد؟ وی از این حادثه چه درسی باید بگیرد؟ فکر می کنید که اگر کودک پانزده ساله من آزاد بود که در خانه مشروب را امتحان کند، این طرح را نمی ریخت؟ یا حتی در آنصورت باز هم به خاطر هیجان اینکار آنرا امتحان می کرد. فکر می کنید اگر کودک من آزاد باشد که روابط سکسی خود را خودش تعیین کند، آیا همه چیز را برای من تعریف خواهد کرد؟
کودک پانزده ساله من، اتفاقاً این آزادی را داشته که خوردن مشروب را در خانه امتحان کند. ولی باز هم با دوستانش این قرار را می گذارد. خوردن مشروب در توالی که یادآوری این خاطره برای خودش خنده دار است. دهها دلیل می توان برای

مهاجرت میشوند. این درست، ولی بهر حال بزرگان برای مهاجرت خود تصمیم میگیرند و اقدام مینمایند و در این تصمیم گیری نظر کودکان بحساب نمیآید یکی بخاطر موقعیت سنی شان و دیگری آنهایی هم که سن بالاتری دارند مثلاً از ۱۲ سال بیابا ازشان سوال نمیشود. این خود از نظر روحی و آماده شدن برای شرایط جدید فشاری سنگین و جدی است. بنابراین از بدو حرکت و تصمیم کودکان

صفحه ۲

وضعیت کودکان پناهجو یک بررسی کوتاه

هستند) این کودکان یا همراه والدینشان هستند، یا یکی از والدین را همراه خود دارند و یا بدون سرپرست هستند. کودکان در هیچ شرایطی در وضعیتی که بسرشان میاید و مجبور به مهاجرت میشوند دخیل نیستند. یعنی همیشه مهاجرت برای آنها فشاری روانی و دردناک است. شاید این مسئله مطرح شود که اصلاً مهاجرت امری عادی نیست و آدمها مجبور به



اسماعیل مولودی

طبق آمار رسمی در دنیا بین ۸ تا ۹ میلیون کودک در مهاجرت بسر میبرند (یک سوم کل پناهجویان در دنیا که هر ساله بالغ بر ۲۵ تا ۲۷ میلیون

وضعیت آموزش و پرورش در دانمارک

مصاحبه با ناهید ریاضی

را در آنجا به گروگان بگیرند. در رابطه با مدارس اسلامی و مسیحی مدارک و شواهد زیادی نشان میدهد که چگونه مواد درسی کودکان بر اساس مغایرت آن با مذهب سانسور می شود و چگونه همه چیز با خرافات و دین آمیخته شده و به خورد کودکان داده می شود. در این مدارس کودکان مرتباً تحت شستشوی مغزی قرار می گیرند و هر حرکت، هر سوال و هر رفتار آنها که با مذهب و سنتها و قوانین مذهبی خوانایی نداشته

صفحه ۴

به وجود مدارس مذهبی اعتراض کرده اید و خواهان بسته شدن همه مدارس مذهبی در دانمارک شدید. لطفاً می‌توانید در این مورد توضیحاتی را برای خوانندگان اول کودکان بدهید؟



ناهید ریاضی: متأسفانه در بسیاری از جوامع اروپایی هنوز جدایی مذهب از آموزش و پرورش جزو قوانین نبوده و این راه را برای سکنهای مذهبی باز کرده است که بر اساس مذهب و خرافاتی که خود باور دارند، مدارس مذهبی بنا کنند و کودکان

اول کودکان: انتظار اینکه مدارس در اروپا غیرمذهبی و پایبند به علم و شکوفایی کودک باشد، ظاهراً بیهوده است. بطور مثال در دانمارک شما با وزیر سابق آموزش و پرورش و یکی از مسئولین حزب چپ دانمارک مناظره ای تلویزیونی داشته اید و

تخلیه مدارس استجاری

بودجه مواجه هستند همچنین ۴۰۳ مورد از ۶۷۱ مدرسه استجاری در سراسر کشور در

صفحه ۴

۱۲۵ مدرسه اجاره ای حکم تخلیه آنها را گرفته اند. مسئولین وزارت آموزش و پرورش میگویند که با کمبود

۶۷۱ مدرسه آموزش و پرورش در سطح کشور اجاره ای است که از این تعداد ۴۰۳ مورد آن در تهران قرار دارند. مالکان

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

تحت فشار روحی و گاه فیزیکی قرار میگیرند. یعنی از ابتدا کودکان را در شرایطی غیر عادی، پر از استرس و ناامن میاندازد. پزشکان و روان شناسان زیادی در سوئد و در دنیا درباره وضعیت و شرایط روحی و محیط زندگی این کودکان تحقیقات زیادی کرده اند که من در ادامه و در جاهای مختلف به آنها اشاره خواهم کرد. آنچه که مسلم است کودکان پناهجو زندگی کودکی، نوجوانی و گاه جوانی خود را در شرایطی غیرنرمال و بدور از هرگونه امکان زندگی برای یک شرایط عادی سپری میکنند. ۹۵ درصد آنها داری ناهنجاری های روحی و روانی هستند. از وضعیت رشدی و محیط رشدشان گرفته تا ابتدای ترین امکانات برای یک زندگی ابتدایی محروم هستند. گاه دیده شده و بطور تحقیقی ثابت شده که این شرایط باعث ناهنجاری های اجتماعی و روانی در زندگی بزرگ سالگی کودکان نیز خواهد شد. رو به اعتیاد آوردن، علیه نرملهای جامعه بشیوه نادرست ایستادن (شیوه نادرست منظور از رو آوری به بزهکار، مبارزه منفی با زندگی خود کردن و گاه خود زنی و خود آزاری) مجموعه اینها مسائل و مشکلاتی است که در مهاجرت کودکان و سلامتی جسمی و روحیشان را تهدید میکنند. کودکان مهاجر اولین قربانیان مهاجرت هستند در هر شرایطی. برای اینکه به مشکلات کودکان مهاجر اشاره کنیم لازم است در اینجا به انواع مختلف مهاجرت اشاره کنیم.

دلایل مهاجرت و عواقب آن در زندگی کودکان

مهاجرت دلایل مختلفی دارد مثل جنگ، تحت تعقیب قرار گرفتن سیاسی، مذهبی، ملی،

مشتربند هستند (منتظر اقامت بودن) اما در شرایطی مختلفی بسر میبرند و میتوان آنها را در دسته بندی های مختلف جا داد و حتی در گروه های سنی مختلف مشکلات متفاوتی خواهند داشت.

۱- کودکانی که همراه والدینشان هستند. یعنی هم پدر و هم مادرشان در کنارشان هستند و بصورت یک خانواده معمولی زندگی میکنند. این کودکان مشکلات کلاسیک مهاجرت را در رفتار خود نشان میدهند. درست مثل والدینشان هم و غمشان اقامت است. بحدی گاه در این مسئله غور شده اند که همگی دنیا و مسائش را با اقامت مقایسه میکنند. پسر بچه ۱۱ ساله ای میگفت اگر اقامت بگیریم زندگیمان تاپ میشود. همبازیش میگفت یعنی چی مثلا ماشین هم میخرید. بحث و گفتگوی

زبانی و قومی، سیل، زلزله و قحطی است که انسانها را مجبور به مهاجرت میکند. این کاتگوری های بالا هرکدام عواقب و ناراحتی های خود را بیار میآورد و هر کدام تاثیرات مشخصی بر کودکان دارد. در تحقیقاتی که سازمان امور اجتماعی سوئد Socialstyrelsen انجام داده نشان میدهد که هر گونه جدایی از محیط، والدین، دوستان، همبازی ها و نزدیکان چه عواقب ناخوشایند و آزار دهنده ای برای کودکان بوجود میآورد که این باعث ناهنجاری های دیگر در کودکان در آینده بیار خواهد آورد. آقای یورران گیلینسوارد روانشناس مشهور سوئدی که سالهاست با سازمان نجات کودک در مورد کودکان تحقیق میکند و کتابهای زیادی در باره وضعیت کودکان در مهاجرت و تاثیراتش بر دنیای کودکان دارد میگوید: وقتی کودکان در شرایطی قرار میگیرند که عزیزان خود و یا محیط خود را از دست بدهند چه اتفاقات روحی برایشان میافتد و اشاره میکند (غصه، درد فراق، ناراحتی های فیزیکی در بدن، تنفر، ترس، ناامنی در محیط و روان، هراس و دلهره، و هر لحظه در انتظار اتفاقات بدتر روزگار را گذراندن و خلاصه از دست دادن کنترل بر اعصاب، روان و رفتار روزانه). اینها مواردی است که کودکان در شرایط مهاجرت و یا در زمانی که دچار ناامنی میشوند بدان دچار میگردند.

دلایلی که بر شمرده مواردی است که کودکان بطور عام با آنها دست بگریبان میشوند. این اوضاع زندگی و آرامش روزانه را از آنها میگیرد. باعث میشود افسردگی چه آشکار چه پنهان بر زندگی آنها سایه بیندازد. در سوئد امروز کودکان زیادی بعنوان پناهجو زندگی میکنند. این کودکان را باید در گروه های مختلف تقسیم کرد زیرا هر چند عموماً در یک مسئله

آنها نظر بخود جلب کرد. در این لحظه پدر یکی از آنها با من در مورد وضعیت پرونده اشان صحبت میکرد هر دو ساکت به حرفهای ما کنجکاوانه گوش میدادند. پسری که پدرش با من صحبت میکرد گفت عمو شما اقامت داری گفتم آره، گفت پس میتونی مارا هم کمک یا راهنمایی کنی؟ جواب دادم قطعاً. این نمونه کاملاً تپیک زندگی کودکانی است که در شرایط پناهجویی با والدینشان هستند و بدلیل اینکه در همه گوشه و زوایای زندگی این کودکان درباره اقامت صحبت میشود این است که تجلی اش در بازی و مرادوات کودکانه آنها به وفور دیده میشود. حال چه کلنجرهای روانی و حسرت و فشارهایی برایشان میآید خود بماند.

دسته دیگر کودکانی هستند که با یکی از والدینشان

صفحه ۲

”اول کودکان” برگزار میکند
سومین کنفرانس اول کودکان

کودکان اول چرا و چگونه؟

کنفرانسی در مورد
جهانشمول بودن حقوق کودک
۲۰ و ۲۱ نوامبر، استکهلم

اطلاعات بیشتر در مورد سومین کنفرانس اول کودکان
در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسد.

لطفاً برای کسب اطلاعات و ثبت نام برای
شرکت در این کنفرانس با آدرسهای زیر تماس بگیرید

۴۴-۷۹۸ ۱۳۴ ۳۱۰۱

۴۶-۰۸-۵۳۱۸۴۲۳۹

۴۶-۷۶ ۲۲۴ ۴۲ ۸۲

parvaneh.ahmadi@comhem.se

karimshamohammadi@yahoo.se

avalkodakan@yahoo.co.uk

www.childrenfirstinternational.org

به سایت www.barnenforst.com مراجعه کنید

و به سوالات زیر رای بدهید

آیا حجاب کودکان زیر ۱۸ سال را باید ممنوع کرد؟

آیا سمبلهای مذهبی در مدارس باید ممنوع شود؟

آیا مدارس مذهبی برای کودکان زیر ۱۸ سال باید ممنوع شود؟

اول کودکان

دوشنبه ها منتشر میشود

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

رفتار با کودکان

می شود دست به همچین تجربه ای بزند، این است که زندگی خود را مستقل از ما می داند. به این معنی که این تجربه را امر خصوصی زندگی خودش می داند. این موضوع را می توان در جواب سؤال اگر کودک من آزاد باشد که روابط سبکی خود را، خودش تعیین کند، آیا همه چیز را برای من تعریف خواهد کرد؟ واضح تر و روشنتر می توان دید. جواب این است که نه کودک پانزده ساله من با اینکه آزاد است، با اینکه روابط دوستانه خوبی با من دارد، با اینکه ما با هم گفتگوهای عمیقی در رابطه با عشق، زندگی، سکس و . . . داریم اما وی روابط سبکی اش امر خصوصی خودش می داند. و با اطمینان می تواند گفت که همه اتفاقات زندگیش را چه در رابطه با سکس و غیره، برای من و مادرش تعریف نخواهد کرد. این موضوع را باید به رسمیت شناخت. و نباید که در امور خصوصی نوجوانان بی حد و مرز دخالت کنیم. از نظر من تنها زمانی ما مجاز هستیم که امور خصوصی نوجوان و جوانان را مورد سؤال قرار دهیم که احساس خطر کرده ایم. احساس کرده ایم و یا چیزی دیده ایم که کودکان در خطر است. حضور پدر و مادر در کنار کودکان باید، زندگی را سهلتر و شیرینتر برای آنها بکند. من به خوبی نگرانی پدر و مادران را برای کودکان، بویژه وقتی به سن نوجوانی و جوانی می رسند می فهمم. جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم

جامعه سالمی نیست، هزاران خطر در کمین کودکان ما نشسته است. اما ما این موضوع مهم را هم در نظر بگیریم که کودکان ما در همین جامعه باید بزرگ شوند و در این جامعه زندگی کنند و فعلاً آلترناتیوی دیگر نیست. پس کودکان با خطرات و مشکلات و کمبودهای این جامعه باید، آشنا شوند. باید هر روزه چیز تازه ای از این جامعه را تجربه و یاد بگیرند. این برای یک زندگی سالم و موفق در آینده کودکان مهم است. تجربه می تواند غیر مستقیم باشد. یعنی از طریق ما یا از طریق کتاب، فیلم و یا موزیک به کودک منتقل شود. این نوع تجربه ها، معمولاً تجربه های است که خود کودک امکان تجربه مستقیم ندارد. تجربه انقلاب، تجربه به کره ماه رفتن و نمونه هایی از این دست، تجربه های غیر مستقیمی است که کودک می تواند از آنها چیزهایی یاد بگیرد. اما تجربه هایی که مستقیماً می تواند از سر بگذارد و برای رشد شخصیتش مهم است تجربه هایی است که روزمره انجام می شود و برای زندگی روزمره مهم هستند. این تجربه ها همگی مثبت نیستند و تجربه منفی هم در میان آنان وجود دارد. اما هم تجربه منفی و هم مثبت، لازم و مهم هستند. از همه این تجربه ها می تواند درس گرفت و خود برای فردا و تجربه های جدید آماده کرد. در باره نقش تجربه های روزمره زندگی در رشد شخصیت کودک می توان و باید بیشتر، گفتگو کرد. این بحث را در شماره آینده ادامه می دهیم.

چرا اون مثل من نیست؟!



این حوادث زیاد اتفاق می افتد

آبرو خود و دخترشان از پیگیری ماجرا تا دستگیری عاملان این جنایات جلوگیری میکنند. در زنجار این حوادث اسفبار زیاد اتفاق می افتد در طول سال گذشته ما مراجعه خانواده های کودکان سه ساله، چهارساله و حتی یک نوزاد یک و نیم ساله را دیدیم که بعد از تعرض وحشیانه به این بیمارستان آورده شده بودند»

میکند ولی پرسنل این بیمارستان در طول سال گذشته و امسال چندین کودک مشابهی را در این بیمارستان دیده بودند که بشدت مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند. یکی از پرسنل بخش زنان بیمارستان میگوید: «واقعا وحشتناک است، هر از چند وقت یکبار در زنجار از این اتفاقات دلخراش می افتد. از این قبیل حوادث در همه جای ایران دیده میشود ولی خانواده ها معمولاً از ترس

وقایع اتفاقیه: دختر خردسال بیهوش و خون آلود در حالی که همه تصور میکردند دقایقی دیگر جان خواهد سپرد به سرعت به داخل اتاق عمل جراحی بخش الکتی بیمارستان ولیعصر شهرستان زنجار برده شد. باور این حقیقت تلخ که این دختر چهار و نیم ساله بنام زهرا در اثر تعرض چند مرد دچار ازاله بکارت و آسیب شدید داخلی شده بود، لرزشی را بر بدن هر شنونده ای ایجاد

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

مهاجرت کرده اند. که در این اینجا عموماً کودکان همراه مادرانشان هستند. این نوع کودکان بستگی به شرایط سنی شان و وضعیتهای گوناگونی دارند. حتی اگر دختر یا پسر هم باشند شرایطشان فرق میکند و برخوردشان به مسئله متفاوت است. در نتیجه باید این را در ارزیابی ها و یا در بحثها در نظر گرفت بخصوص وقتی که این ها در سنن نوجوانی یا جوانی هستند. این کودکان در هر سنی باشند بدلیل

خواستههای آنها در نظر گرفته نمیشود در نتیجه از بدو حرکت در مقابل عملی که اتفاق می افتد سکوت میکنند. یکی از این نوجوانان (۱۵ ساله) که همراه مادرش پیش من برای گفتگو در مورد اختلافش با مادرش آمده بود میگفت: من حتی بوی غذا ها را خوب تشخیص نمیدهم زیرا همه چیزم عوض شده اصلاً بهم ریخته ام نمیدانم چه مرگه. در بحث دو نفره ای که داشتیم اشاره میکرد خواب ندارد، دلشوره و بیقراری های ممتد کلافه اش کرده است.

ادامه دارد

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



ادامه

وضعیت آموزش و پرورش در دانمارک

باشد، بشدت کنترل و جلوتش گرفته می شود. در مدارس اسلامی در اروپا کودکان، درست مثل مدارس در کشورهای اسلام زده، باید حجاب به سر کنند و در کلاسهای بالاتر دختران و پسران از هم جدا می شوند و آموزش جنسی برای نوجوانان ممنوع و تاریخ بر اساس مذهب تحریف و سانسور می شود. حتی عکسهایی که در کتابهای درسی با «اسلام و دین» مغایرت دارند، سیاه می شوند تا بچه ها حتی چشمشان به عکس «غیر اسلامی» نیافتند.

خواست برچیده شدن مدارس مذهبی و آموزش مذهبی برای کودکان سالهاست که از طرف ما در جامعه دانمارک طرح و در این رابطه کمپینها، سمینارها و مباحث نسبتا وسیعی را در جامعه دانمارک براه انداخته ایم. ما خواهان جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش کودکان هستیم. باید کودک از شر مذهب و خرافات در امان باشد. این حق هر کودک است که از آموزش و پرورش علمی برخوردار باشد و آخرین روشهای مناسب تربیتی کودک برای تمامی کودکان بکار برده شود.

با این خواست، هم راستها و هم بخشی از باصطلاح «چپها» و «هومانیستها» مخالفت می کنند. راستها که در حفظ مذهب و دستگاه مذهبی نفع دارند و در ضمن اصرار دارند که

جامعه دانمارک یک کشور مسیحی است و به همین خاطر نباید دین از دولت و آموزش جدا باشد. این معنایش اینست که هر

آموزش شنیده اند، از این خواست دفاع می کنند. مناظره تلویزیونی من با وزیر سابق آموزش و پرورش و یکی از نمایندگان فعلی پارلمان دانمارک نیز



دسته و سکت مذهبی ای اجازه دارد که با کمک دولتی مدرسه و مسجد و کلیسا و دم و دستگاه مذهب خودش را راه بیاندازد. بخش زیادی از «چپها»ی دانمارک هم با تئوری نسبیت فرهنگی و اینکه باید به هر مذهب و فرهنگی احترام گذاشت، کاملا در صف مرتجعینی قرار گرفته اند که کودکان را در مدارس مذهبی اسیر کرده اند و از این اسارت به نام حقوق والدین دفاع می کنند. اما در عین حال بخش وسیعی از مردم تا آنجایی که دلایل ما را برای برچیده شدن مدارس مذهبی و جدایی مذهب از

بر سر برچیده شدن مدارس مذهبی بطور کلی بود. در این مناظره در مقابل بحث این نماینده، که از دخالت نکردن دولت در کار مدارس خصوصی و از جمله مذهبی دفاع می کرد، خواهان دخالت و نظارت کامل دولت بر آموزش کودکان و برچیده شدن کامل مدارس مذهبی و آموزش مذهبی برای کودکان شدم. در آنجا من یکبار دیگر تاکید کردم که کودکان مذهب ندارند، آنها حق و حقوق دارند و این وظیفه دولت و جامعه است که از حق و حقوق آنها دفاع کند. باید آموزش و تربیت کودکان جدا از مذهب و خرافات و

منشهای قرون وسطایی باشد.

در همین رابطه در هفته گذشته نیز در یک اطلاعیه مطبوعاتی، که در چند روزنامه دانمارکی درج شد خواهان آن شدم که دولت دانمارک کودکان را از شر مذهب و مدارس مذهبی در امان نگهدارد.

گذشته از ضرر و زیانهای آموزش مذهبی و مدارس مذهبی و شستشوی مغزی کودکان و محروم کردن آنها از یک زندگی آزاد و انسانی، وجود مدارس اسلامی در عین حال مانع بزرگی برای جذب کودکان در جامعه اند. معمولا تنها خانواده های مذهب زده مهاجر، کودکان خود را به مدارس اسلامی می فرستند. این کودکان در یک گتوی کامل اسلامی بسر می برند. ارتباط آنها با جهان خارج از این مدارس تقریبا قطع است. در این مدارس به بچه ها آموزش می دهند که مسلمانان از همه برترند و غیر مسلمان را باید طرد کرد و از میان آنها نباید دوست گرفت. یک دید بسیار منفی و غیرواقعی از جهان بیرون به این کودکان آموزش داده

ادامه

تخلیه مدارس استجاری

شهر تهران است که برای ۱۲۵ واحد حکم تخلیه صادر شده است. بنا به خبری با ۳۶ تخلیه مدرسه حداقل ۱۸ هزار دانش آموز بی مدرسه و سرگردان میشوند. میتوان بسادگی حساب کرد که با تخلیه ۴۰۳ مدرسه اجاره ای چه تعداد از دانش آموزان قربانی سیاست غیر مسئولانه دولت جمهوری اسلامی میشوند.

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان